

آرامش و امنیت این روزها حاصل اتحاد مردم و پلیس

ناآرامی‌های اخیر در تهران و برخی شهرستان‌ها که اغلب در راستای مطالبات معیشتی و اقتصادی بوده، پلیس در کنار مردم و البته مقابل فرصت‌طلبان و اغتشاش‌گران ایستاد تا اینکه مردم با بصیرت همیشگی خود خطشان را از معاندان جدا کرده و بار دیگر آرامش صدرصدی به سراسر کشور بازگشت. این آرامش را مدیون مردم دشمن شناس و فهیم‌مان هستیم که به سرعت سره‌را از ناسره تمیز داده و صف خود و مطالباتشان را از صفو دشمنان انقلاب و نظام جدا کردند.

همچنین بنا بر اعلام نظرانِ روزهای مسئولان بلند پایه کشور-مان؛ امنیت و آرامش موجود را مدیون اقدامات خویشتن دارانه، مقتدرانه، حکیمانه و مهر‌بانانه پلیس در سراسر میهن عزیزمان هستیم که نیز بی‌پناه با رصد شرایط و اقدامات عاجل، عرصه را بر مخلان نظم و امنیت تنگ کردند.

با توجه به اینکه برخی از عناصر معلوم الحال که خط و ربط خود را از خارج از مرزها و معاندان کشور گرفته و به دنبال زدن ضربه‌های مادی، سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بودند و خط مشی خود را از طریق شبکه‌های مجازی در ریافت می‌کردند، پلیس همواره در حال رصد و پایش فضای مجازی بوده و هست، گردانندگان و منتشرکنندگان هر گونه اخبار کذب که تشویق به تجمعات غیر قانونی و آشوبگری می‌کردند نیز به سرعت شناسایی می‌شدند. پلیس هیچ مانعی برای احقاق حقوق حقه مردم و شهروندان عزیزمان نبوده و نیست، ولی بر رعایت قوانین و مقررات اصرار فراوان دارد. تمامی کارکنان این نیرو، با آموزش‌های دیده‌شده در جهت مدیریت، درایت و اقتدار توأم با رافت و انصاف رفتار نکردند. خوشبختانه همه چیز تحت کنترل بوده و اغلب کسانی که نسبت به شرایط اقتصادی، رکود و گرانی گلاممند هستند به صورت آرام و مسالمت‌آمیز و به دور از خشونت خواسته‌های خود را با مطالبه می‌کنند و ناسدک تحریک‌کنندگان و هستند تا بیایات نامیومن خود را در کشور بپیاده کنند، در رصد پلیس هستند.

بی‌شک پلیس مردم و هم میهنان عزیزمان را در حرکت کرده و به‌خواسته‌های به حق آنان احترام می‌گذارد، لیکن این خواسته‌ها و درخواست‌ها بایستی در چارچوب قانون مطالبه شود تا نتیجه اثر بخش و پایداری در بی داشته باشد که در غیر این صورت «امنیت» می‌واید که همه ما سال‌ها برای آن زحمت کشیده و رنج بردایم دچار خدشه می‌شود.

آرامش و آسایش شهروندان «اولی» بر هر دغدغه‌ای است و پلیس با هر فردی که از خط قرمزهای قانونی عبور کرده، به جان، مال، آسایش و امنیت مردم صدمه‌ای وارد کند، مقابله خواهد کرد.

به هوش و به گوش باشیم در فضای مه آلود به وجود آمده، رای و نظرات بی‌سرمایز و این آرامش گسترده موجود که چهاردهه برای آن سختی‌ها متحمل شده‌ایم را به راحتی از تک ندیمه که قصد بداندیشان چیزی جز این نیست. در نظر داشته باشیم که دستگیر شدن شاگان ناآرامی‌های اخیر که اغلب جوانان بوده، تحت تأثیر جو موجود قرار گرفته و اغفال شده بودند، قریب به اتفانشان آزاد شدند. بخش اعظمی از دستگیر شدن‌گان به‌واقع دغدغه معیشت و اصلاح امور اقتصادی را نداشته‌اند، برخی از آنها که سابقه کیفری داشته‌اند اقدام به آشوبگری، اخلال گری، تخریب اموال عمومی و غارت بیت‌المال و به خطر انداختن جان و مال مردم کرده‌اند به مراجع قضایی تحویل داده‌شداند.

***کارشناس ارشد رسانه**

داماد خشمگین خون به پا کرد

داماد خشمگین در شهرستان یاسوج دو عضو خانواده همسرش را با سیلیک گلوله به قتل رساند و دو نفر دیگر را به شدت مجروح کرد. این حادثه خورین ساعت یک بامداد روز گذشته در روستای کرداغری شهرستان یاسوج اتفاق افتاد. داماد خشمگین در حالی که اسلحه کلاشنیکف به دست داشت در خانه پدرنش شد و حادثه خورین را رقم زد.

وقتی مأموران پلیس و امدادگران در محل حادثه حاضر شدند با پیکر نیمه‌جان پدرزن، مادرزن، دختر خاله و دختر عموی همسر متهم مواجه شده و آنها را در بیمارستان شهید بهشتی یاسوج کردند.لحظاتی بعد یکی خبر رسید که پدر و مادرزن داماد به علت شدت جراحات در مسیر انتقال به بیمارستان جانشان را از دست داده‌اند. سرهنگ علی کریم بابان، فرمانده انتظامی شهرستان بویراحمد وضعیت دو مجروح حادثه را وخیم اعلام کرد. وی گفت: متهم بعد از وقوع حادثه از محل متواری شده و تلاش برای بازداشت او در جریان است.

۵۱مصدوم در زلزله ۵/۱ریشتری سریل دهب

۵۱ نفر در حادثه زلزله ۵/۱ ریشتری که عصر روز شنبه سریل دهب را به لرزه در آورد مصدوم شدند. در جریان این حادثه خانه‌هایی که در زمین لرزه مرگبار ۲۱ آبان ماه آسیب دیده بودند، تخریب شدند. رضا محمودیان، مدیرکل دفتر مدیریت بحران استانداری کرمانشاه گفت: این زمین لرزه ساعت ۱۸:۵۲ عصر روز شنبه به مرکزیت سریل دهب به‌وقوع پیوست که در شهرستان‌های قصر شیرین، گیلانغرب، دالاهو، اسلام‌آبادغرب، کرمانشاه و اورامان نیز احساس شد. وی با بیان اینکه در این حادثه ۵۱ نفر مصدوم شدند، افزود: ۴۲مصدوم متعلق به شهرستان سریل دهب و ۹ نفر متعلق به شهرستان گیلانغرب بود. محمودیان گفت: حادثه تلفات جانی نداشت.

۱۴ گزارش غلامرضا سنکنی

رأسه روز در بیخال نگهداری کرده و سپس آن را در حاشیه شهر دفن کردند. مأموران پلیس تریکیه با پیگیری خانواده مقتول، دو متهم را بازداشت کردند.

به گزارش خبرنگار ما، صبح دیروز مرد میانسالی به‌داسرای امور جایی تهران آمد و از دو پسر جوان به اتهام قتل پسر ۲۰ساله‌اش در کشور تریکیه شکایت کرد. شاکي در توضیح ماجرا به قاضی پرونده گفت: ما اهل شهرستان کرمانشاه هستیم. پسرم ماردین، دانشجوی رشته مدیریت بازرگانی بود تا اینکه دو سال قبل تصمیم گرفت برای کار و زندگی به کشور تریکیه برود. همه امید زندگی‌ام بود و دوست داشتم صغای پیری‌ام باشد و از طرفی هم دوست نداشتم هیچ وقت از من دور باشد و همیشه نگرانش بودم. به همین دلیل از همان ابتدا که متوجه تصمیمش شدم مخالفت کردم، اما او اصرار داشت برای ادامه زندگی به تریکیه برود. هر چندر تلاش کردم او را از رفتن به آنجا منصرف کنم فایده‌ای نداشت. حتی با او قهر کردم تا به این بهانه پیش من بماند، اما او به تریکیه رفت و در شهر بالیکسیر خانه‌ای اجاره کرد و در یک نانوائی مشغول به کار شد. پس از این ارتباط من و ماردین قطع شد، اما همسرم هر روز با او از طریق تلفن و شبکه‌های مجازی در ارتباط بود و من از این طریق در جریان احوال پسرم بودم. در این مدت من با یکی از دوستان صمیمی ماردین که او هم در تریکیه بود ارتباط داشتم و از اوضاع زندگی پسرم باخبر بودم.

پیکری سرنوشست پسرم در تریکیه

مدتی گذشت تا اینکه ماردین به من تلفن زد و اشتهی کرد. او از زندگی و کار در تریکیه راضی بود و گفت به تنهایی زندگی می‌کند و قرار بود در فرصت مناسب برای دیدن من و مادرش به ایران برگردد. از تباط تلفنی و فضای مجازی ماردین با من و مادرش ادامه داشت تا اینکه از اواخر مهرماه تا کنهان ارتباطش با ما قطع شد. مادرش خیلی نگرانش بود و احتمال می‌داد برای او اتفاق ناگواری رخ داده باشد و به همین خاطر از من خواست تا باهم به تریکیه برویم و خبری از ماردین بدست آوریم. ما هیچ آدرسی از او نداشتم و تنها ارتباط ما دوست ماردین در تریکیه بود. من و همسرم اوایل مهرماه امسال به تریکیه و به سراغ دوست ماردین رفتیم. دوست پسرم گفت که مدتی است از ماردین خبری ندارد. او گفت که دو پسر جوان ایرانی مدتی است هم خانه ماردین شده‌اند. دوست ماردین ما را به خانه او برد، اما خبری از پسرم نبود و دوستان هم اتقایی اش که یکی اهل شهرستان اسلام‌آباد غرب و دیگری

ابهام در زنده بودن ۳۰ ایرانی ناپدیدشده در آب‌های چین

۲۲ نفر از خدمه و کارکنان یک تانکر نفتی که ۳۰نفر از آنها ایرانی بودند در حادثه تصادف این نفتکش با یک کشتی باری در آب‌های شرق چین ناپدید شدند. گینگ شیوانگ، سخنگوی وزارت خارجه چین از نجات برخی خدمه دو کشتی خبر داد. وی به جزئیات خبر در مورد اینکه خدمه کدام کشتی نجات یافته‌اند اشاره نکرد و تنها گفت که هنوز شماری ناپدید هستند.
این حادثه ساعت ۲۰شامگاه شنبه، به وقت محلی اتفاق افتاد که در جریان آن تانکر حامل ۱۳۶هزار تن میعانات سبک نفتی پس از برخورد با یک کشتی باری آتش گرفت. وقوع حادثه ۲۰۰کیلومتری شرق محل تقاطع آب‌های دریا با رود یانگتسه در شرق چین گزارش شده‌است. کسرا نوری، سخنگوی وزارت نفت با بیان اینکه علت حادثه در دست بررسی است، اعلام کرد: این کشتی متعلق به ناوگان شرکت ملی نفتکش ایران و محموله آن نیز میعانات متعلق به شرکت ملی نفت ایران بوده است و البته این کشتی و محموله آن هر دو تحت پوشش یک شرکت بیمه معتبر خارجی قرار داشته‌اند. به گفته نوری، این نفتکش محموله خود را برای شرکت هانوا توالت کره جنوبی بارگیری کرده و در اجاره این شرکت کره‌ای بود.

ساعتی بعد از وقوع حادثه عملیات جست‌وجو برای نجات افراد حادثه ده به جریان افتاد، اما آن گونه که مقام‌های چین اعلام کرده‌اند از سرنوشست ۳۲خدمه این نفتکش از جمله دوبنگلادشی و ۳۰ ایرانی که در دریا ناپدید شده‌اند هیچ اثری پیدا نشده است. چهار نفر از خدمه ایرانی دانشجوی دریاوردی بوده‌اند که دوره کارآموزی خود را در این کشتی سپری



قتل ماردین به خاطر نظافت منزل

یکی از متهمان گفت: دو ماه قبل از حادثه همراه دوستم برای کار از ایران به تریکیه آمدم. از آنجایی که جایی برای زندگی نداشتم از طریق یکی از دوستانم به ماردین معرفی شدم و قرار شد مدتی هم اتاق او باشیم تا برای خودمان خانه‌ای اجاره کنیم. ماردین پسر تمیزی و منطقی بود، اما ما خیلی به تمیزی و نظم او اهمیتی نمی‌دادیم. حدود ۴۵ روزی از هم‌اتاقی ما گذشته بود تا اینکه شامگاه ۲۶ شهریورماه ماردین از محل کار به خانه آمد. خانه خیلی به هم ریخته بود که ماردین به ما اعتراض کرد و چسرا خانه را نظافت نکرد ده‌ایم. همین موضوع باعث درگیری ما شد که دوستان ما مشتب به سررش کوئید و من هم عصبانی شدم و دو ضربه چاقو به او زدم. متهم ادامه داد: وقتی ماردین فوت کرد از ترس جسد او را سه‌روز در بیخال خانه نگهداری کردیم تا اینکه تصمیم گرفتیم جسد را به شهر دیگری ببریم و در بیابان‌های اطراف آن دفن کردیم.

متهمان به ۲۰ و ۱۵سال حبس

شاکي در پایان گفت: متهمان پس از اعتراف در دادگاه جنجایی تریکیه محاکمه شدند و متهم دیفا اول به اتهام قتل عمد به ۳۰سال حبس و متهم ردیف دوم به ۱۵سال حبس محکوم شد. من الان به دادسرا آمده‌ام و از دو متهم دستگیر شده به اتهام قتل پسرم شکایت دارم و برای آنها درخواست قصاص می‌کنم و از مسئولان درخواست دارم زمینه انتقال دو متهم به ایران را فراهم کنند تا در دادگاه ایران به قتل پسرم محاکمه شوند. پس از طرح این شکایت قاضی پرونده دستور تحقیقات و رسیدگی به این پرونده را صادر کرد.

اهل استان اصفهان بودند مدعی شدند روز و قبل وقتی در خانه خواب بودند ماردین از خانه بیرون رفته و دیگر به خانه برگشته است. از تناقض گویی حرف‌هایشان متوجه شدم که آنها دروغ می‌گویند و از سرنوشست پسرم با خبر هستند. همچنین احتمال دادم برای پسرم اتفاق ناگواری رخ داده است به همین دلیل بلافاصله با دوست ماردین به‌اداره پلیس رقیتم و هم شدن ناگهانی پسرم را اطلاع دادم.
کشف جسد ماردین در شهر بورسا
وی ادامه داد: پس از طرح شکایت مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای برای پیدا کردن پسرم آغاز کردند و همچنین پرونده افراد پیدا شده و اجساد کشف شده را بررسی کردند تا اینکه به پرونده کشف جسد پسر جوانی رسیدند که شباهت زیادی به ماردین داشت. افسر پرونده به ما گفت که اواخر شهریورماه شهروندی از اهالی شهر بورسا به مأموران خبر داده بود که دو پسر جوان جسدی را با خود برده و بیابان‌های اطرف شهر منتقل کرده و در حال دفن کردن هستند. مأموران با اعلام این خبر بلافاصله در محل حاضر می‌شوند که دریافته‌اند دو پسر جوان پس از دفن‌شای آنجا را ترک کرده‌اند. این افسر در ادامه به ما گفت: پس از این مأموران محل دفن را می‌کنند که جسد پسر جوان شناسایی

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

می‌کردند. همچنین یک نفر از همسران کارکنان روی کشتی حضور داشته است. براساس قوانین، عملیات امداد از سوی کشوری انجام می‌شود که حادثه در آن‌جا اتفاق افتاده باشد به خاطر همین چین هشت کشتی برای کمک به عملیات نجات روانه کرده و کره جنوبی هم با اعزام یک کشتی گارد ساحلی و یک هواپیما به منطقه در عملیات جست‌وجو و نجات شرکت دارد. آن گونه که گزارش شده، نفتکش سانچی به طول ۲۷۴متر با پرچم پاناما در دریا حرکت می‌کرد و تحت قرارداد شرکت ایرانی «برایت شیبینگ» بنا بود محموله خود را در کره جنوبی تخلیه کند. طرف دیگر این سانحه یک کشتی باری چینی است که با پرچم هنگ کنگ ۶۴هزار تن دانه گیاهی را حمل می‌کرد. بنا به گزارش منابع چینی تمامی ۲۱خدمه چینی این کشتی باری از حادثه جان سالم به در برده‌اند.

پرداخت ۱۰۰میلیون تومان خسارت جانی هر کدام از خدمه نفتکش

احمد صفرزاده، معاون فنی شرکت سه‌په‌ای بیمه البرز اعلام کرد که نفتکش حادثه دیده دچار نابودی کامل شده و جداگر تعهد این شرکت ۶میلیون و ۴۰۰هزار دلار است. صفرزاده اعلام کرد: بیمه البرز در چارچوب قرارداد عمر و حادثه با شرکت ملی نفتکش ش ازای هر یک از خدمه کشتی که در این حادثه فوت شده باشند، ۱۰۰میلیون تومان خسارت می‌پردازد می‌کند. معاون فنی بیمه البرز توضیح داد که اگر ۲۲نفر خدمه ایرانی این نفتکش که در حال حاضر مفقود هستند، فوت شده باشند، ۲میلیارد و ۲۰۰میلیون تومان خسارت باید پرداخت شود که حدود ۵۰۰میلیون تومان آن سهم اتکایی بیمه مرکزی است.



اعلام گذشت خواهران دوقلو از قصاص برادر خطاکار

مهندس بیگار که متهم است دو سال قبل پدرش را با ۲۷ضربه چاقو به قتل رسانده است با اعلام گذشت خواهران دوقلو پیش از مجازات قصاص فاصله گرفت و روز گذشته از جنبه عمومی جرم محاکمه شد. به گزارش خبرنگار مسا، یازدهم آذرماه سال ۹۴، مأموران کلانتری ۱۰۳گاندی از قتل مرد میانسالی در خیابان ظفر باخیر راهی محل شدند. جسد متعلق به مردی ۵۵ساله به نام پیحی بود که با ۲۷ضربه چاقو به قتل رسیده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، پیام، پسر ۲۵ساله مقتول که آثار جراحات روی صورت مادرم همراه دو خواهر دوقلویم در این خانه زندگی می‌کند. امروز پدرم در خانه موروثی پدر بزرگم جدا از زندگی می‌کند. امروز صبح برای کارهای بانکی از خانه بیرون رفتم. ساعت ۲ بود که به خانه برگشتم، اما وقتی وارد ساختمان شدم، مردی را دیدم که چاقو به دست از خلمان بیرون آمد و حین فرار ضربه‌ای به دستم زد و فرار کرد. وارد خانه شدم با جسد غرق خون پدرم روبه‌رو شدم. نمی‌دانم پدرم چه موقع به خانه‌مان آمده بود.»

بعد از این توضیحات بود که پلیس در تحقیقات از سرنیادار خانه در ریافت فرد ناشناسی به خانه پسر مقتول رفت و امدی نداشته است. آنجا بود که کار آگاهان با توجه به تناقض گویی‌های پیام بار دیگر او را تحت بازجویی قرار دادند تا اینکه ۱۵روز بعد از حادثه پسر مقتول بالاخره لب‌به‌اعتراف گشود و به قتل پدرش اعتراف کرد. پیام که مرئی بدسناسازی و مهندس رشته معدن است در شرح ماجرا گفت: «مدتی بود با پژو ۴۰۶که متعلق به عمه‌ام بود در یک تاکسی تلفنی کار می‌کردم تا اینکه یک‌ماه قبل به خاطر مبلغ زیاد خلافی مجبور شدم ماشین را به عمه‌ام برگردانم. این ماجرا مرا ابتکار کرد و بعد از آن نتوانستم کار خوبی پیدا کنم به همین دلیل به افسردگی مبتلا شدم و بیشتر مواقع در خانه بودم.» متهم در خصوص روز حادثه گفت: «پدرم خاطر شرایط بیکاری ام همیشه را تحقیر می‌کرد و به خانه‌ش منی متعرض بود به همین خاطر همیشه با هم درگیر بودیم. آن روز به خاطر بیماری ام قرص آرام‌بخش مصرف کرده بودم و حال طبیعی نبود. وقتی پدرم به خانه ما آمد بار دیگر غرزن‌هایش را نشاندم. وقتی پدرم با هم جرح و خصمان شد، در آن بین سنگی برداشت و به طرفم پرتاب کرد سپس به مادرم نیز فحاشی کرد. آنجا بود که از عصبانیت با سنگ دو ضربه به او زدم. او دست بردار نبود و از آسبزخیز یک چاقو برداشت و به دستم ضربه زد. من هم چاقورا گرفتم و ضرباتی را به او زدم.»



با اقرار‌های متهم و بازسازی صحنه جرم، پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در حالیکه پرونده در نوبت رسیدگی قرار داشت خواهران دوقلوی متهم با مراجعه به دادسرا اعلام گذشت کردند. به این ترتیب صیوح دیروز پرونده از جنبه عمومی جرم در همان شعبه به ریاست قاضی قران‌زاده روی میز هیئت قضایی قرار گرفت. با اعلام رسمیت جلسه متهم در جایگاه قرار گرفت و آخرین دفاعش گفت: «روز حادثه در جریان درگیری وقتی پدرم پشت سر مادرم مرم حرم حرف زد و فحاشی کرد کنترل اعصابم را از دست دادم و ابتدا با سنگ به سرش زدم و بعد چاقو را از او گرفتم و ضربات پیاپی به او زدم.» او در ادامه گفت: «بعد از قتل به خاطر حفظ آبرو و ترسی که داشتم نتوانستم حقیقت را بگویم و دانسان را طوره دیگری برای پلیس تعریف کردم.» متهم در پایان گفت: «هری باشگاه بدنسازی بودم و از طرفی قهرمان ورزش شنا و ژیمناستیک هستم. در رشته شیرجه شنایمقامت زیادی کسب کرده بودم، اما شغل مناسی نداشتم و این موضوع ازتوبت می‌کرد. کنار این همه مشکلات طعنه‌های پدرم را دیدم نمی‌توانستم تحمل کنم، اما از این حادثه به شدت ناراحت و پشیمانم. باور کنید بعد از حادثه پدرم در شب به خواب می‌آید و می‌گوید نگران نباش! اگر هم آزاد شوم و شرمندم خانواده‌ام مستم و در عذاب و جانم خواهم سوخت.» در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.